

دستورالعمل نگارش مقالات پژوهشی نظری

مقالات نظری می‌توانند اشکال و ساختارهای بسیار متفاوتی داشته باشند. برای نویسندگان با تجربه، انتخاب ساختار اغلب نه مشکل است و نه حتی آگاهانه و به‌نظر می‌رسد که خود مقاله نگاشته می‌شود؛ اما برای نویسندگان بی‌تجربه انتخاب ساختار زجرآور و بعضاً غیرممکن است. به یا داشته باشید که "نیمی از نظریه خوب نگارش با دستور زبان خوب است". توضیح این نقل قول زیبا [با اندکی تصرف] مثل بسیاری از قصارهای دیگر بسیار سخت است.

مراحل نگارش مقاله پژوهشی نظری

مقوله‌بندی

برای نگارش مقاله مناسب در حوزه نظری ابتدا باید مقوله‌بندی دقیقی از عناصری که قرار است مورد استفاده قرار گیرند در ذهن شکل بگیرد. خود مساله تولید مقولات امری پیچیده و نیازمند توضیح است. گاهی واقعیت‌ها به ذهنی و مادی و گاهی به جواهر که موجود هستند و موجودیت مستقل دارند و اعراض که صفات و نسبت‌های وابسته هستند، تقسیم می‌شوند. در دستور زبان معادل‌هایی برای این عناصر در نظر گرفته می‌شود. مثلاً نام‌ها برای جواهر و صفات برای اعراض. همین موضوع باعث می‌شود که با بیان کلمات، ملزومات دیگری حاصل شود که اجتناب‌ناپذیر هستند. مثلاً وقتی می‌گوییم "خداوند عادل است"، از نظر برخی اندیشمندان این جمله نمی‌تواند صادق باشد، چون اگر خدا عادل باشد آنگاه دارای ویژگی عادل بودن است و موجودی که دارای ویژگی باشد مجرد نیست و بنابراین فناپذیر است. از نظر ایشان خدا با عادل یا به عبارتی با عدالت *اینهمان* است که نشانگر محدودیت‌های دستوری زبانی زبان‌های طبیعی است.

گاهی اوقات تلاش برای بیان چیزی جدید و صحیح درباره محدودیت‌های واقعیت منجر به فروپاشی کامل دستوری زبان می‌شود؛ مثلاً جایی که هایدگر می‌گوید "هیچ می‌هیچد". نام هیچ نمی‌تواند فعل باشد، بنابراین شبه‌فعل می‌هیچد غیرعقلانه به نظر می‌رسد. علاوه بر آن به نظر می‌رسد که هایدگر کلمه هیچ را به صورت نام متعین تفسیر می‌کند به طوری که گویی هیچ چیزی را می‌نامد، در حالی که مشخصاً نمی‌تواند. البته هایدگر تفسیر ما را نمی‌پذیرد و این خود نشان می‌دهد که در حوزه نظری حتی بر سر دستوریان نیز توافق وجود ندارد.

توماس هابز اولین کسی بود که اندیشمندان را متهم به اختلاط حوزه‌های مقولات کرد؛ آن چیزی که امروزه به آن "خطای مقوله‌ای" می‌گویند. شاید خطای مقوله‌ای را بتوان به سختی معادل منطقی مخلوط کردن سیب و پرتقال در نظر گرفت. این جمله را تصور کنید که "ایده‌های بدون رنگ سبز خشمگینانه می‌خوانند". این جمله مملو از خطاهای مقوله‌ای است چراکه اشیای بدون رنگ نمی‌توانند سبز یا هر رنگ دیگری باشند، ایده‌ها نمی‌توانند بخوابند یا بیدار شوند و کسی نمی‌تواند خشمگینانه بخوابد. برخی اشیای متعلق به یکی از مقولات نمی‌توانند متعلق به مقوله‌ای متضاد باشند و گاهی ویژگی‌های یک مقوله بر اشیای متعلق به مقوله دیگر حمل نمی‌شود. یکی از مثال‌های هابز "خرد می‌فهمد" است. هابز معتقد است که خرد عنوانی برای ویژگی انسانی است که یک مقوله است در حالی که می‌فهمد با وجود آنکه از نظر دستور زبانی فعل است، نام ویژگی انسانی دیگر و مقوله دیگری است؛ پس این جمله از نظر ادبی بی‌معنی است. جمله صحیح از نظر هابز "انسان با خردش می‌فهمد" است. لاک به همین شکل معتقد است که گفتن "اراده اراده (یا انتخاب) می‌کند" خطای بزرگی است و جمله صحیح "نوع انسان اراده (یا انتخاب) می‌کند" است.

ممکن است افراد زیادی با نظر هابز موافق نباشند و اساساً مناقشه بر سر آنکه چه چیزی بامعنی و چه چیزی بی‌معنی است هرگز به پایان نمی‌رسد. مثلاً جمله "باورها حالت‌های مغزی هستند" را در نظر بگیرید. آیا این خطای مقوله‌ای یا جمله زیبایی در مورد ماهیت ذهن است؟ اندیشمندان در این زمینه اتفاق نظر ندارند. به نظر می‌رسد که تشخیص ارزشمند بودن یک ایده از خطای دستوری مبهم همیشه آسان نباشد. بنابراین علاوه بر سختی ذاتی تفکر، دشواری‌های نگارش آنچه اندیشیده می‌شود نیز بر آن افزوده می‌شود که معمولاً تحت عنوان حوزه‌های سینتکس (نحو) و سمنتیکس (معنی) به آن پرداخته می‌شود. دلیل دیگری که افراد اغلب از جملات غیردستور زبانی استفاده می‌کنند آنست که نوشته‌هایی که می‌خوانند به نظر این‌گونه می‌رسد. چراکه نویسندگان اغلب دست به خلق مقولات جدید می‌زنند یا مقولات موجود را به شکل نامتعارفی به‌کار می‌برند که جایی در سیستم فکری افراد ندارد. به همین دلیل این مقولات در ذهن افراد در جای غلط می‌نشینند یا عناصر نادرستی با آن مرتبط می‌شوند. در نتیجه، هنگامی که افراد در مقام شرح، نقد یا حتی پشتیبانی از آنها برمی‌آیند، جملاتی نامنسجم و غیردستور زبانی تولید می‌کنند. از آنجایی که نوشته آنها نشانگر دقیق فهم آنهاست، پس مشکل به هر دو حیطه ربط دارد. اگر می‌بینید که نمی‌توانید جمله یا پاراگرافی را از نظر دستور زبانی کنترل کنید، احتمالاً اندیشه شما در آن زمینه از کنترل خارج است. بنابراین، نوشته شما می‌تواند ملاکی برای فهم شما از موضوع باشد و اینکه چه بخش‌هایی از آن به تفکر بیشتر نیازمند است. شاید این‌گونه بتوان این بیان را که نیمی از اندیشه خوب دستوری است را به این جمله تقلیل داد که نوشته نظری خوب مبتنی بر دستوریان است. اگر شخصی بتواند مجموعه‌ای از جملات دستوری بانی سازگار در مورد موضوعی نظری بنویسد، آنگاه احتمالاً ایده‌ای منسجم در مورد آن چیزی که در موردش بحث می‌کند دارد.

دقت در نگارش

معیار دیگر نگارش نظری خوب دقت است. برخلاف باوری که در میان افراد رایج است، زبان ثقیل و مبهم نشانه عمق و موشکافی نیست، بلکه نشانگر سردرگمی است. از آنجایی که زبان بیان‌کننده اندیشه است، زبان واضح، اندیشه واضح را نمایندگی می‌کند. شیوه نگارش باید درک نوشته را آسانتر کند و روش نگارش باید در خدمت افزایش وضوح باشد. اگر نیمی از اندیشه، نگارش خوب باشد، نیم دیگر آن خوب اندیشیدن است. خوب اندیشیدن اشکال مختلفی دارد. شکلی که در این دوره بر آن تاکید داریم "تحلیل" است. واژه تحلیل در علوم نظری معانی متفاوتی دارد که یکی از آنها روشی برای استدلال است. ما مفهوم تحلیل را به شکل سنتی آن به کار می‌بریم؛ هدف اندیشه تحلیلی دستیابی به صدق است که به روش واضح با ترتیب مناسب و خوش ساخت بیان می‌شود. ما تاکید زیادی بر وضوح، ترتیب و ساختار داریم. هدف تحلیل در مفهوم وسیع آن آسانتر کردن فهم اندیشه نسبت به حالت بدون تحلیل است. در واقع هر کس می‌تواند هر موضوعی را مشکل کند ولی تنها یک متفکر واقعی است که می‌تواند موضوعی را آسان نماید. از آنجایی که بیشترین تقاضا برای نگارش در حوزه نظری مربوط به شیوه مقاله‌ای است، این شیوه ساده‌ترین شیوه و در حال حاضر استاندارد نگارش در این حوزه است. براساس آنچه گفته شد مشخص است که در حوزه نگارش مقاله نظری، یگانه ابزار موجود در دست نویسندگان، زبان مبتنی بر دستور زبان و تنها روش مورد استفاده/استدلال است.

حال باید دید که نوشته نظری دارای چه بخش‌هایی است و در هر بخش چه چیزی باید بیان شود.

چکیده

چکیده مقالات نظری معمولاً کوتاه است و ساختار ندارد ولی در نشریه مطالعات فرهنگی اینتر، چکیده این مقالات باید دارای سه بخش اهداف، استدلال‌ها و نتیجه‌گیری باشد. در بخش اهداف در یک تا ۲ جمله مساله را بیان کرده و سپس در جمله آخر هدف از مقاله خود را در یک جمله خبری به زمان گذشته ساده بیان کنید. در بخش استدلال‌ها، خلاصه‌ای از نظریه و استدلالی که می‌خواهید بیان کنید را بنویسید. آنگاه با بیان خلاصه‌ای از جوابی که می‌خواهید به مساله بدهید مسیر استدلال خود را به اجمال شرح دهید. در بخش نتیجه‌گیری، در یک جمله خبری به زمان حال ساده نتیجه و ادعای خود را مطرح نمایید. توجه داشته باشید که نتیجه نباید خارج از موضوع مساله و ورای استدلال مطرح شده باشد.

کلیدواژه‌ها

برای مقاله خود حداقل ۳ و حداکثر ۶ کلیدواژه انتخاب کنید. کلیدواژه‌ها باید به محققان دیگر در بازیابی مقاله شما کمک کنند، بنابراین از کلمات متناسب با محتوای مقاله خود استفاده نمایید. کلمات منتخب شما باید در پایگاه Emtree مربوط به نمایه الزویر تعریف شده باشند.

مقدمه

مقدمه دارای سه بخش است که با تیتیر مشخص نمی‌شوند ولی باید تفکیک مشخص داشته باشند. در بخش اول باید مساله مورد بحث به طور دقیق و کامل مطرح شده و محل نزاع دقیقاً مشخص شود. در این بخش توجه به ارایه استنادات معتبر کاملاً ضروری است و باید نشان داده شود که مساله فراگیر است. در بخش دوم به مطالعاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده و راه‌حل‌های ارایه شده پرداخته می‌شود. نگارش دقیق این بخش کاملاً ضروری است و نباید با نوشتن جملاتی همچون "مطالعه‌ای در این خصوص انجام نشده است" یا "مطالعه‌ای در این خصوص یافت نشد" از زیر بار آن شانه خالی کرد. توجه داشته باشید که اگر واقعاً در زمینه‌ای هیچ مطالعه‌ای انجام نشده و راه‌حلی ارایه نشده است، احتمال دارد که مساله مطرح شده دارای اهمیت کمی بوده باشد یا اصلاً مساله مهمی محسوب نشود. آنگاه باید با ادله قوی‌تری نشان دهید که محل نزاع معرفی شده واقعی است و برای جامعه علمی اهمیت دارد. در انتهای مقدمه باید هدف انجام مطالعه به صورت دقیق و شفاف و جزئی به زمان گذشته ساده در قالب یک جمله خبری نوشته شود. از ابتدای مقاله به توضیحات تکمیلی در پاورقی و ارجاع‌دهی و مستندکردن جملات خود توجه داشته باشید.

استدلال‌ها و نقدها

در ابتدا باید خلاصه‌ای از نظریه و استدلالی که می‌خواهید بیان کنید را روی کاغذ بنویسید و روابط را با پیکان‌هایی برای خود مشخص نمایید. اگر اینکار ممکن نیست آنقدر مراحل استدلال و عناصر دخیل را جابه‌جا کنید تا ممکن شود. آنگاه با بیان خلاصه‌ای از جوابی که می‌خواهید به آن بدهید مسیر استدلال خود را شرح دهید. توجه داشته باشید که راه حل شما در مقاله نظری همان ابزار استدلالی شماست. در اینجا باید نشان دهید که درک مناسبی از موضوع محل بحث و عناصر دخیل در آن دارید و راه حل خود را با استدلال مناسب بیان کنید. اگر لازم است که عناصر جدیدی را معرفی کنید این کار را به دقت انجام دهید تا به پیچیدگی موضوع نیافزایید.

بعد از بیان پاسخ به مساله مطرح شده نوبت به نقد پاسخ می‌رسد. یعنی باید خودتان نسبت به ارایه نقدهای قوی به موضع خود اقدام نمایید و آنها را با توجه به استدلالی که به عنوان روش مطرح نمودید، پاسخ دهید. توجه داشته باشید که این استدلال، تنها ابزار شما در حوزه مقالات نظری است و به هیچ عنصر دیگری نمی‌توانید متوسل شوید، پس از آن فاصله نگیرید. در مقاله بلند محدودیتی در این زمینه وجود ندارد و ارایه ۲ تا ۴ نقد معمول است.

این بخش می‌تواند دارای زیرعنوان‌های متعدد باشد و برای راحتی خواننده و کمک به وی برای درک مطلب می‌توانید از زیرعنوان‌های متناسب استفاده کنید.

نتیجه‌گیری

در انتها نوبت به نتیجه‌گیری می‌رسد. برای نتیجه‌گیری باید توجه کنید که نتیجه شما نباید فرای سؤال و استدلالی که برای آن مطرح کرده‌اید باشد و باید در محدوده استدلال خود نتیجه‌گیری و در واقع ادعا نمایید. نتیجه‌گیری معمولاً کوتاه است و ادعایی بیش از آنچه برای آن استدلال شده مطرح نمی‌نماید. نتیجه‌گیری باید به زمان حال ساده نوشته شود.

فهرست منابع

نشریه مطالعات فرهنگی ایثار از روش ونکووری (ارجاع‌دهی عددی) برای ارجاع‌دهی استفاده می‌کند و از آنجا که هدف نشریه از ابتدا ورود به نمایه‌های بین‌المللی است، تمام منابع باید به انگلیسی نوشته شوند. منابع در قسمت فهرست منابع و براساس ترتیب استفاده در متن طبقه‌بندی گردیده و به ترتیب شماره‌گذاری شوند. در هر کجای لازم متن، عدد مربوط به منبع مورد نظر در [...] آورده شود. در صورتی که در یک [...] به بیش از یک منبع ارجاع شود اعداد باید از راست به چپ بزرگ شده و با ویرگول از هم جدا شوند (مثال: [۸، ۱۱، ۴۲]). اگر چند منبع مورد استناد متوالی باشند با خط تیره از هم جدا می‌شوند و جهت نگارش به صورت ریاضی می‌شود (مثال: [۱۲، ۲۵، ۳۸-۳۲، ۵۱-۴۴]).